

شیوه غیر تاریخی در نقد و بررسی احادیث ظهور و علائم آخر الزمان و فتن و ملاحم

در سال های اخیر یکی از پدیده های شایع در میان نویسندگان شیعه و سنی و البته با گرایشاتی گاه سیاسی زده اقبال و توجه دوباره به احادیث علائم ظهور و آخر الزمان و فتن و ملاحم و اشراف الساعه است؛ سنتی که ریشه های آن به سنت ادیان کتاب مقدس می رسد. از نقطه نظر حدیث شناسی غالب روایات شیعه و سنی در این زمینه ها مشکل سندی دارد. من بحثم اینجا البته بحثی سندی و از نقطه نظر سنتی نیست. منتهی از نقطه نظر تاریخی همینکه روشن شده است که بسیاری از احادیث ملاحم و فتن محصول حوادث سیاسی و اجتماعی چند دوره فتنه نخستین بوده است. تعدادی از احادیث را هم بعداً البته کیسانیه و کمی بعدتر زیدیه ساخته اند. تعداد زیادی هم محصول اصل اندیشه مهدویت و البته تظاهرات آن در میان فرقه های مختلف و از جمله امامیه است. احادیث اخیر معمولاً به عنوان احادیث علائم ظهور شناخته می شوند. در این میان بعد از یکی دو قرن آغازین احادیث ملاحم و فتن تبدیل به ژانر شد. یعنی نوعی ادبی که می توانست بی ارتباط با واقعیت سیاسی و اجتماعی حیات مستقل خود را به عنوان گونه ای ادبی ادامه دهد و گسترش و تحول یابد. مقداری از آن هم مرتبط شد به میزان اطلاع بر علوم غریبه و توانایی بر پیشگویی. از آغاز هم علم بر مغیبات خود میزان مهمی بوده است برای اثبات علم گسترده شماری از پیشوایان فرق مختلف. این شد که در قرن های بعدی احادیث و روایات زیادی با ترکیب احادیث قبلی و بدون آنکه ترکیب مضامین آنها مقصود خاصی را برساند به عناوین مختلف و از جمله صرفاً به دلائل ادبی و تقاضای بازار مطالعه و کتاب خوان ها و از جمله اهتمام فرقه های صوفیانه و مدعیان کشف و مشاهده تولید شد. اینجاست که می بینیم کتاب های زیادی با احادیث کاملاً ساختگی و بدون هیچ گونه اصالتی به ادبیات پیشین افزوده شد. منظورم از ساختگی بودن این احادیث این نیست که قبلی ها وضعشان خیلی بهتر بود. مقصودم این است که احادیث قبلی دست کم در چارچوب های روشن تاریخی و در واکنش به واقعیت های تاریخی ساخته و پرداخته می شد. در دوره های مختلف سیاسی و از جمله عصر صفوی از این مجموعه احادیث و

روایات بهره گرفته می شد تا حوادثی را که برای آن توضیح روشنی نمی شد ارائه داد بدین ترتیب تبیین و قابل فهم کرد. کما اینکه برای مشروعیت بخشی و یا مشروعیت زدایی حکومت ها و یا جریان ها از این نوع احادیث و روایات استفاده می شد. در حقیقت احادیث و روایات ملاحم و فتن به نحوی دست خداوند را در ورای تحولات سیاسی و اجتماعی و حتی حوادث طبیعی مرگبار و عمدتاً سخت و غیر قابل هضم چنان می دید که در نهایت هم برای آن حوادث زمینه فهم و درکی فراهم می کرد و هم در نهایت امر نوعی گشایشی برآمده از اراده الهی را معاینه پیشبینی می کرد. در واقع هم تضمینی بود برای تحکیم ایمان مؤمنان و تقویت امیدها و هم توجیه کننده وضعیتی بود خوف آلود که در آن زندگی می کردند و آن را پیوند میزد با آخر الزمان و احوال آن. این وضعیت تا روزگار ما همچنان ادامه دارد. طبعاً در زمان های بحران های اجتماعی و سیاسی و جنگ ها و قحطی ها نقل این نوع احادیث توجیه بیشتری داشت و قابل فهمتر است. در واقع این روایات به نحوی هم درصدد توضیح آنچه رفته است می باشد و هم ارائه چشم اندازی معمولاً امید بخش برای آینده ای نزدیک که خواهد آمد، آینده ای که به طور طبیعی و با چشم یک معاصر معمولی قابل پیشبینی نیست.

به هرحال در یکی دو قرن اخیر به ویژه در ادبیات شیعی میزان این دست احادیث و روایات فزونی قابل توجهی یافت و حتی در چهل پنجاه ساله اخیر تعدادی احادیث و روایات تازه به مجموعه و میراث پیشینیان سخاوتمندانه افزوده شد.

بحران های سیاسی و اجتماعی و جنگها و فتنه های اولیه و بحران های هویت برای فرقه های اولیه در تاریخ سده های نخستین عاملی مهم برای شکل گیری ادبیات ملاحم و فتنی بوده است. متن احادیث ملاحم و فتن و علائم الظهور آنچه از اصالت و قدمتی برخوردار است معمولاً از دو قسمت تشکیل شده: قسمتی که از آنچه واقعا اتفاق افتاده خبر می دهد و دیگر قسمت درباره آنچه انتظار می رود در آینده آن سلسله حوادث اتفاق بیافتد. قسمت اول لزوماً همواره عیناً حکایت آنچه در واقع بیرونی اتفاق افتاده نیست بلکه نوعی روایت آن در بستر آخر زمانی است اما یک مؤرخ توانایی این را دارد تا بخش تاریخی آن را به درستی بازناسایی و

تاریخگذاری کند. به طور نمونه مقدار زیادی از احادیث ملاحم و فتن مربوط است به وقایع انقلاب عباسی. اما آنچه بناست در آینده و در پی حوادث واقعی قبلی صورت گیرد معمولاً بازتاب اهداف سیاسی و دینی و یا آرزوهای طبقات مختلف مرتبط با آن واقعه و حادثه است. در این چارچوب در واقع این نوع ادبیات هر بار با انگیزه‌ها و اهداف معینی که ناظر به کوشش‌ها و تلاش‌ها برای تغییراتی در واقع اجتماعی بود پر و بال داده می‌شد. (ادامه...)

... در تشیع امامی علما و فقهای بزرگ شیعه جز تعداد محدودی از احادیث علائم ظهور و ملاحم و فتن را معتبر و یا نزدیک به معتبر نمی‌دانند. بخشی از احادیث این باب با احادیث قائمیت و رجعت هم البته پیوند خورده است. به هر حال اصلاً این احادیث بیشتر در کتاب‌های سنیان نقل شده و کسی که سهم وافری در انتقال این میراث سنی مذهب به ادبیات شیعی را دارد همانا علی ابن طاووس است.

در سالهای اخیر برخی از نویسندگان اهتمام وسیعی به این نوع احادیث ابراز کردند و در راستای آن چندین کتاب در این زمینه نوشته شد که مهمترین آنها نامش عصر الظهور است. در این کتاب بدون توجه به ریشه‌های متفاوت احادیث ابواب پیشگفته و بدون امعان نظر نسبت به زمینه‌های تاریخی جعل و تدوین این دسته احادیث کوشش شد حکایتی از وقت ظهور حضرت صاحب (عج) به دست داده شود که در حقیقت واجد بیان جزئیاتی بر پایه این احادیث است. نویسنده چنان این احادیث را به هم پیوند می‌زند که گویی با تعدادی روایت تاریخی از حوادث و اتفاقات در دوره‌های گذشته تاریخی سر و کار دارد. غافل از اینکه آنچه گفته اند الجمع مهما امکن اولی من الطرح در ابواب فقه است که به عمل ناظر است و حجیت تعبدی اخبار آحاد و نه روایاتی که خبر از واقع خارجی می‌دهد. اینجا باید نخست از اصالت متن‌ها مطمئن شد و از سرچشمه‌های مختلف تاریخی آنها پرده برداشت و به درستی آنها را تفکیک کرد و با عینک یک مؤرخ زمینه‌های جعل و تدوین و پردازش این احادیث را بررسیید... اینجا جای جمع‌های عرفی و طبعاً تبرعی نیست.

خوشمزه اینجا است که نویسندگان این دست کتاب‌ها آنگاه که در سال‌های اخیر ملاحظه کردند که تا چه اندازه این نوع محصولات دستمایه نزاع‌های سیاسی جدیدی می‌شود و عده‌ای

از این گونه باورها بهره برداری های خاص و با انگیزه های مشخص می کنند حاضر نشدند مسئولیت خود را در قبال این نوع آشفته گی های فکری که ممکن است این قبیل منشورات در جامعه دینی فراهم کند بپذیرند.

تفسیرها و بازخوانی ها از این نوع ادبی در سایه تحولات و حوادث اجتماعی و سیاسی و کوشش برای تطبیق دادن آنها با وقایع معاصر (همراه با ارائه ورژن های تازه ای از پیشگویی های قدیم) امری است طبیعی که در طول تاریخ بارها تکرار شده و هر کس در ورای آن بر اساس ظن و البته نیت خود از آن روایات یاری می خواهد. با این حال نباید فراموش کرد بر اساس تجربه تاریخی گاه این نوع ادبیات خود در ایجاد بحران های تازه و بحران زایی ها تأثیری تمام داشته است...

barrasihayetarikhi@